



یاد رفیق اکبر زبردست گرامی باد

رفیق دیگری از جنبش کمونیستی ایران از میان ما رفت.
رفیق اکبر زبردست کارگری بود در آبادان که از محبوبیت بی نظیری در بین کارگران صنعت نفت و دیگر کارگران منطقه برخوردار بود. این رفیق سالیان طولانی با کار < صفحه ۳

جهان به انقلاب سوسیالیستی نزدیک می‌شود

هنوز هم اوکراین نقطه گری تضادهای بین‌المللی است. چگونگی پیشرفت آن، تناسب قدرت در سیستم جهانی امپریالیسم را نشان می‌دهد.

جنگ در اوکراین حاصل تضادهای تشدید شوند سه ابر قدرت آمریکا، چین و روسیه است. لذا جنگی است طولانی که این کشور زیبا و ثروتمند را به ویرانه‌ای تبدیل کرده و هر روز آن را ویران‌تر و مردمانش را آواره‌تر و قربانیان آن را بی‌شمارتر می‌سازد.

شدت تضاد ابرقدرت‌ها در این روزها در چه سطحی است؟ < صفحه ۶

انسان خداست

اثر احمد شاملو

انسان خداست

در کوچه
پشت قوتی سیگار
شاعری
استاد و بالبداهه نوشت این حماسه را:
«انسان، خداست.
حرف من این است. < صفحه

انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی

انتقاد و انتقاد از خود تنها سلاح پرولتاریا و جنبش کمونیستی در مبارزه علیه نفوذ ایدئولوژی و شیوه تفکر خرده بورژوازی در صفوف خود است. به کار نبردن این سلاح به معنی باز کردن تمام درها به خاک یکسان می‌کند. < صفحه ۲

نبرد دیگری در راه است، خود را آماده کنیم



زحمتکشان ایران در سال ۱۴۰۲ می‌بایست به طور واقعی با گرسنگی و مرگ ناشی از آن، بیش از ۱۴۰۱ دست و پنجه نرم کنند. زیرا آن‌ها زیر خط مرگ قرار می‌گیرند و به طور واقعی زندگی، یعنی حرکت و نفس کشیدن برایشان غیر ممکن می‌گردد.

در نشست شورای عالی کار که در ۲۶ اصفند ۱۴۰۱ تشکیل شد، < صفحه ۴

نکاتی در باره اطلاعیه مهم شماره ۲ «کانون بازنشستگان ایران»

امواج اعتراض و مقاومت در مقابل حق کثی و قانون شکنی رژیم سرمایه‌داری ایران هر روز گسترده‌تر و کوبنده‌تر می‌گردد. اکثر جمعیت ایران زیر خط فقر هستند و این، ناگزیر زحمتکشان کشور ما را به مبارزه مرگ و زندگی علیه این رژیم دد منش و سفاک می‌کشاند. رفیقی از ایران چنین می‌نویسد: «پس باید در انتظار خیزش دیگری از طرف کارگران و مردم خسته از رژیم سرمایه‌داری و مبارزات آن‌ها در خیابان باشیم.» < صفحه ۵

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

نویسنده: علی رسولی

قسمت پنجم معمای تروتسکی

در بخش‌های پیشین کوشش بر این بود، تا آن جایی که در یک مقاله کوتاه امکان پذیر است، با اشاره < صفحه ۱۲

آلترناتیو سازی امپریالیست‌ها و خائنین وطنی

۲۱ اسفند ۱۴۰۱ سندی با نام «منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی (مهسا)» از طرف شاهزاده رضا پهلوی، حامد اسمانیلیون، مسیح علینژاد، نازنین بنیادی و عبدالله مهدی، برای «باورهای مشترک نیروهای خواهان تغییر نظام جمهوری اسلامی برای: < صفحه ۱۱

من، سپیده قلیان؛ بر سر عهده‌ی که با مردم بسته ام ایستاده‌ام! < صفحه ۱۴

انتقاد و انتقاد از خود کمونستی

در جریان جنگ جهانی دوم دهها هزار کادر و عضو فداکار حزب بلشویک شوروی جانشان را نثار مهد آزادی زحمتکشان جهان، کشور سوسیالیستی خود کردند. حزب کمونیست در جریان جنگ میبایست به طور دائم باز سازی می‌شد. دهها هزار کارگر به عضویت حزب درآمدند. در عین حال عناصر فرصت طلب خرده بورژوازی و به ویژه کولاک زاده‌هایی که ظاهراً از طبقه خود جدا شده بودند، وارد حزب شدند. در آن زمان کنترل ایدئولوژیک بر حزب نمی‌توانست مثل دوران صلح کاملاً برقرار شود. لذا از پائین شیوه تفکر خرده بورژوازی و حرص و طمع کولاک زاده‌ها وارد حزب گردید.

این عناصر برای حفظ موقعیت خود، برای ایجاد امکاناتی در بالا کشیدن خود در حزب میبایست محیط اطراف خود را همرنگ خود می‌کردند، زیرا این‌ها نمی‌توانستند و نمی‌خواستند خود را با معیارهای حزب بلشویک نوسازی کنند. به این جهت ابزار و سلاح نوسازی یعنی انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی را مبتذل و پایمال کردند و از برنامه سلول‌های حزبی زدودند.

این کولاک زاده‌ها در وحله اول از اشتباهات خود انتقاد صوری می‌کردند، در مرحله دوم جلوی انتقاد را می‌گرفتند و در مرحله سوم از انتقاد کننده انتقام می‌گرفتند. بسیاری از اعضای وفادار حزب کمونیست اتحاد شوروی توسط این عناصر یا پاکسازی شدند و یا به نوعی بی اثر گردیدند.

با حذف انتقاد و انتقاد از خود، بوروکراسی از پائین در حزب کمونیست اتحاد شوروی رشد کرد. گروه‌های هم منافع به وجود آمدند که «همدیگر را داشتند». این بوروکراسی که دائماً گسترش می‌یافت و به بالای حزب نفوذ

می‌کرد، بنیان ایدئولوژیک و سیاسی رشد سرمایه‌داری را به وجود آورد و آن را پرورش داد. استالین این ایدئولوژی و شیوه تفکر را بی رحمانه به نقد میکشید:

«اغلب، انتخاب همکاران نه بر مبنای نقطه نظرات عینی، بلکه بر مبنای نقطه نظرات اتفاقی، ذهنی و تنگ نظری خرده بورژوازی صورت می‌گیرد. اغلب، به اصطلاح آشنایان، دوستان، هموطنان و آدم‌های مطیع و تمجیدگو از رؤسایشان، برگزیده می‌شوند، بدون در نظر گرفتن شایستگی سیاسی و تخصصی آن‌ها» (ژوزف استالین، درباره کمبود کار حزبی... - انتشارات Dietz، برلن ۱۹۵۴)

رشد بوروکراسی باعث گردید که امکان انتقاد از رهبران توسط توده‌ها از بین برود. این امر باعث گردید که در دل این بوروکراسی رویزبونیسم رشد کند. حزب باید پاکسازی می‌شد. استالین این ضرورت را دریافت. افرادی مثل خروشچف هدف این پاکسازی بودند. ولی آن‌ها پیشدستی گرفتند، استالین را کشتند، به قدرت فائقه در حزب تبدیل شدند و جامعه شوروی در طول زمان به یک امپریالیسم خونخوار و مهاجم استحاله یافت.

این سرنوشت تمام احزاب و سازمان‌هایی است که به انتقاد و انتقاد از خود کم بها می‌دهند و آن را به فراموشی می‌سپارند.

نمونه یوگوسلاوی خیلی برجسته است.

«در سال ۱۹۴۱ در لحظه‌های تهاجم آلمان، ۱۲ هزار نفر در حزب کمونیست یوگوسلاوی که مخفی فعالیت می‌کرد، عضو بودند. از این تعداد ۸۰۰۰ عضو در جنگ کشته شدند. تعداد اعضا در جریان مقاومت به ۱۴۰ هزار و در سال ۱۹۴۸ به ۳۶۰ هزار افزایش یافت. دهها هزار عنصر کولاک، بورژوازی و خرده بورژوازی به عضویت حزب درآمدند. (جیمز کلگمان، از تروتسکی تا تیتو، لاونسه و ویشارت، لندن ۱۹۵۱، صفحه ۱۳) تیتو در مبارزه‌اش علیه

کمونیست‌های واقعی هر چه بیش‌تر بر خرده بورژوازی تکیه داشت.

حیات داخلی حزب عادی نبود، در صفوف‌اش بحث‌های سیاسی وجود نداشت و نتیجتاً انتقاد و انتقاد از خود مارکسیست لنینیستی انجام نمی‌گرفت. نیروهای رهبری انتخاب نمی‌شدند بلکه انتصاب می‌شدند. (جیمز کلگمان، از تروتسکی تا تیتو، لاونسه و ویشارت، لندن ۱۹۵۱، صفحه ۱۳)

ما نمونه‌های گویایی را نیز می‌توانیم در سازمان‌های سیاسی ایران ذکر کنیم. هر کس تا کنون از خط مشی سازمان مجاهدین خلق انتقاد کرده، با مهر جاسوس رژیم جمهوری اسلامی مهور گردیده است. اساساً شیوه برچسب زنی جهت خنثی کردن تأثیر انتقاد، ویژه عناصر سرمایه دار در از میدان به در کردن رقبا در مؤسسات اداری و سیاسی جامعه بورژوازی امپریالیستی است.

متأسفانه این شیوه منحنط و فاسد در جنبش کمونیستی ایران نیز نفوذ کرده است. اگر با این شیوه در جنبش کمونیستی و کارگری مبارزه نشود، جنبش کارگری چون لاشه‌ای متعفن توسط کفتاران بورژوازی بلعیده خواهد شد.

هدف انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی، نوسازی و تکامل جنبش کارگری و کمونیستی است. زیرا به طریق علمی هر نظر و سبک کاری را تجزیه و تحلیل می‌کند، ریشه‌ها را بر ملا میسازد، گاه را از گندم جدا می‌کند و جاده را برای رشد و تکامل نظریه علمی باز مینماید. به این ترتیب تمام انرژی نهفته در جنبش را برای واژگونی نظم آن لحظه آزاد می‌کند.

استالین می‌گوید: «حزب وقتی از انتقاد و انتقاد از خود نترسد، وقتی اشتباهات و کمبودهای کارش را نبوشاند، وقتی بر مبنای اشتباهات کار حزب، کادرها را تربیت کند و آموزش دهد، وقتی این را فهمید، که باید اشتباهاتش را به موقع تصحیح کند، غلبه ناپذیر می‌گردد. حزب وقتی اشتباهاتش را سرپوش نهد، موارد

راست با تمام مفاسد طبقاتی‌اش در شکل حزب توده بر جنبش کمونیستی ایران غالب شد و تأثیر دیرپائی از خود برجای نهاد. در مبارزه علیه راست روی حزب توده، چپ روی در شکل مشی چریکی ظاهر شد.

ضرورت وجود یک حزب کمونیست راستین سراسری برای رهبری انقلاب مسلحانه توده‌ای جهت سرنگونی بورژوازی و برپائی دیکتاتوری پرولتاریا، ضرورت دامن زدن به انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی علیه جریان‌ات انحرافی را بیان می‌کند.

سلاح انتقاد و انتقاد از خود را در جنبش کمونیستی تفت دهیم و با مبارزه علیه نظرات خرده بورژوازی و طرد شیوه تفکر آن، شرایط را برای ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری پرولتاریا فراهم کنیم.

سرمایه‌داری امپریالیستی جهان را بر مبنای خصلت استثمارگرانه و چپاول‌گرانه‌اش به صورت ویرانه‌ی کنونی درآورده است. تغییرات مثبت به نفع طبقات استثمار شده و ستم دیده را نه سرمایه‌داری، بلکه نوسازی درونی جنبش کمونیستی شکل خواهد داد. در پروسه ایجاد احزاب کمونیست در کشورهای مختلف و ایجاد یک انترناسیونال کمونیستی مقتدر این روند آغاز می‌گردد.

یاد رفیق اکبر زبردست گرامی باد

رفیق دیگری از جنبش کمونیستی ایران از میان ما رفت.

خستگی ناپذیر، با تلاش در رشد آگاهی کارگران و متحد کردن آن‌ها علیه کارفرمایان استثمارگر نفت توانست همراه تنی چند از کارگران آگاه، سندیکای کارگران پروژه‌ای را سازمان دهد و همراه کارگران از آن دفاع نماید. ولی عمر این سندیکا چندان نپایید.

می‌گیرد و آن سازمان را نوسازی می‌کند. یعنی انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی و اشتباهات تاکتیکی سازمان و اعضای خود را تصحیح می‌نماید تا با قدرت و عمق بیشتری حوادث را به نفع پرولتاریا تغییر و یا سمت دهد.

لذا جریان انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی در یک سازمان مقطعی نیست، یک جریان دائم و پایدار باید باشد.

در جنبش کمونیستی ایران بسیار دیده شده است که یک حزب و یا سازمانی خط مشی خود را عوض می‌کند. این سازمان هیچ ضرورتی نمی‌بیند که پروسه این تغییر خط مشی را توضیح دهد. از خود نسبت به اشتباهات خطی گذشته انتقاد کند و بدین وسیله کل جنبش کمونیستی را تکامل ببخشد. همین طور خط عوض می‌کنند، بدون هیچ توضیحی. مثل این که هیچ اتفاقی نیافتاده است.

برای استفاده از تجربیات جنبش‌های اجتماعی، برای جمع‌بندی این تجربیات و تحلیل منطبق با واقعیت هر لحظه باید بین نظرات موجود در یک سازمان برخورد به وجود آید. این برخورد باید خلاق و نتیجه بخش باشد. در چه شرایطی چنین خلاقیت و نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ زمانی که برخورد عقاید یعنی نقد، روشن، شفاف و بدون در نظر گرفتن منافع شخصی و در خدمت تکامل و پیش برد مبارزه انقلابی باشد. بدون چنین برخوردهای انتقادی، نه خط مشی صحیحی شکل خواهد گرفت و نه پیروزی‌ئی در مبارزه متصور خواهد بود. البته وقتی صحبت از انتقاد می‌شود برخی تصور می‌کنند که فقط به دیگران انتقاد وارد است و اگر به خودشان انتقاد شود یعنی نظراتشان مورد نقد و اصلاح قرار گیرد، بر آشفته شده، نقشه انتقام مغزشان خلق می‌شود. این اندیشه انتقام جویانه، به برخورد ذهنی و خشن به رفیق انتقاد کننده می‌انجامد و کل فعالیت‌های یک سازمان و یا حوزه‌ای را کاملاً مختل می‌سازد.

جنبش کمونیستی ایران سابقه ۱۰۰ ساله دارد. در مقطعی از این تاریخ اپورتونیزم

ناسالم را ببوشاند، برای نشان دادن تصویر جعل شده‌ی موقعیت‌های خوب خود، بی کفایتی‌هایش را خوش قواره جلوه دهد، وقتی انتقاد و انتقاد از خود را تحمل نکند، وقتی بگذارد از خود راضی بودن در او نفوذ کند، وقتی احساس از خود ممنون بودن را بر خود نثار کند و بر دستاوردهای دیگران لم دهد، نابود می‌شود.» (تاریخ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - دوره مختصر)

مائو تسه دون می‌گوید: «انتقاد درون حزبی سلاحی است که به امر استحکام تشکیلات حزب و تقویت نیروی رزمنده آن کمک می‌کند.» (مائوتسه دون - اصلاح نظرات نادرست در حزب - ۱۹۲۹)

انتقاد و انتقاد از خود خرده بورژوازی کاملاً شابلونی، ظاهر سازی و مکانیکی است. حتماً به کرات دیده‌اید که رفیقی مسئولیتی را تقبل می‌کند و آن را انجام نمیدهد. در جلسه سازمانی به او انتقاد می‌شود و او انتقاد را می‌پذیرد و حتی شدیداً از خود هم انتقاد می‌کند ولی باز هم مسئولیت خود را انجام نمیدهد. مثل این که یادش رفته است. این نوع انتقاد از خود سطحی بی مایه فقط می‌تواند رفقای سازمانی را برای مدتی سرگرم کند. این شیوه از انتقاد یکی از تظاهرات ایندیووالیسم خرده بورژوازیست که سازمان حزبی را با زنجیر به زمین بی عملی محکم می‌کند.

در کل جنبش کمونیستی ایران انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی یا به دست فراموشی سپرده شده است و یا لحظه‌ای و مقطعی است.

انتقاد و انتقاد از خود با پروسه فعالیت‌های یک سازمان گره خورده است. اگر سازمانی منفعل باشد، فقط یک انتقاد به آن وارد است؛ این سازمان منفعل است. ولی اگر سازمانی فعال باشد یعنی سیاست خود را فعالانه با پراتیک اجتماعی پیوند دهد، نواقصی در خط مشی و کار سازمان ظهور می‌کند که غیر قابل اجتناب بوده و حتماً باید تصحیح شوند. این تصحیح در پروسه انتقاد و انتقاد از خود صورت

درستی ۳۰ میلیون تومان ارزیابی کرده است. در واقع سطح معیشت ۷۰٪ کارگران که حداقل بگیر هستند با ۲۷ درصد اضافه دست مزد در سال ۱۴۰۲ بیش از ۶ بار پائین‌تر از مرز فقر قرار دارد. تحت این شرایط قلب کارگران و خانواده‌هاشان قادر به تپش نیست.

به علاوه با بیکار سازی‌های گسترده و عدم پرداخت به موقع و کامل مزد، شرایطی را سرمایه داری ایران برای کارگران به وجود آورده‌اند، که فقط مرگ آور است.

معمولاً وقتی از کارگر صحبت می‌شود، کارگران صنعتی تداومی می‌گردند. ولی در واقع کارگران فکری و خدماتی را نیز که به شدت تحت شرایط مرگ آور اقتصادی و سیاسی قرار دارند باید به حساب آورد.

جعفر ابراهیمی (بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور) در آپریل ۲۰۲۰ می‌گوید:

«معلمی که در سیستان و بلوچستان، در لرستان یا در همین تهران با ماهی یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان حقوق (تازه اگر قرارداد داشته باشد و ۴۰ ساعت تمام در یک هفته تدریس کند) سر کار می‌رود و تدریس می‌کند، چگونه می‌تواند زندگی خود را بگذراند؟!»

بر مبنای اعلام دولتی، ۲۰٪ به حقوق کارمندان دولت منجمه معلمان اضافه می‌شود. این بی عدالتی کامل است. کارمند ارشدی که در ماه ۱۰۰ میلیون حقوق می‌گیرد، هر ماه ۲۰ میلیون بیشتر نصیب‌اش می‌شود و معلمی که در ماه دو میلیون حقوق می‌گیرد فقط ۴۰۰ هزار تومان نصیب‌اش می‌شود.

حال می‌شود سطح معیشت یک معلم با ۲۱۶۰۰۰۰ تومان (یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان + ۳۶۰ هزار تومان (۲۰٪)) حقوق را درک نمود.

در واقع معلمان و بازنشستگانی هم که دارای حقوق بیشتری هستند، در فقر مطلق به سر می‌برند. این در حالی است که «مجموع بودجه جاری و تملک دارایی در حوزه دفاعی و امنیتی از ۱۹۶ هزار

نشست دستمزد سالانه ۱۴۰۲ کارگران تعیین شود.

بر طبق بندهای قانون کار ماده‌های ۴۱، ۱۱۱ و ۹۶ افزایش حقوق کارگران باید بر مبنای نرخ تورم و سبب معیشتی کارگران تعیین شود. مهمترین وظیفه شورای عالی کار نیز دقیقاً انطباق حقوق کارگران با نرخ تورم و سبب معیشتی است. شورای عالی کار همیشه خلاف وظیفه خود عمل کرده است.

در این نشست، نمایندگان به هیچ توافقی دست نیافتند. زیرا شرایط ضد کارگری دولت آنچنان آشکار بود که حتی نماینده دولتی کارگران نیز نتوانست به خواست دولت جواب دهد و این جلسه به نتیجه نرسید.

در آخرین جلسه شورای عالی کار که در آخرین روزهای اسفند ۱۴۰۱ تشکیل شد، افزایش ۲۷ درصدی به حداقل مزد کارگران در سال ۱۴۰۲ تصویب گردید. این در حالی است که نرخ تورم در سال ۱۴۰۱ بر مبنای داده‌های مرکز آمار ایران ۵۳،۴ درصد و بر مبنای محاسبه استیو هانکه اقتصاددان کاربردی اهل آمریکا ۱۰۷،۵۵ درصد بوده که در سال ۱۴۰۲ در حال افزایش است. این افزایش دستمزد نه تنها هیچ تطابقی با افزایش نرخ تورم و سبب معیشتی کارگران ندارد بلکه ۴ بار از آن عقب افتاده است.

بنابراین با محاسبه ۲۷ درصد افزایش به حداقل مزد کارگران، متوسط مزدی که کارگران در سال ۱۴۰۲ دریافت می‌کنند ۵ میلیون و ۳۸۲ هزار تومان می‌باشد.

فرامرز توفیقی، رئیس کمیته دستمزد کانون شوراهای اسلامی کار، گفت: «بدنه جامعه کارگری ایران از منظر معیشت مانند بیماری است که با ۱۰ درصد قلبش زندگی می‌کند.» البته این از فرمایشات یکی از دست اندرکاران ضد کارگری درون رژیم ایران است که عوامفریبی می‌کند.

واقعیت را خود کارگران بر ملا کرده‌اند. بیانیه «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت» خط فقر در ایران را به

یکی از ویژگی‌های این رفیق ارزنده، صداقت و خلوص نیت بارزش بود. این رفیق جزو معدود کمونیست‌هایی بود که به مطالعه سیستماتیک مارکسیسم می‌پرداخت. بدین جهت از آگاهی تئوریک و درک سیاسی بالایی برخوردار بود و می‌توانست با بیان ساده و منطقی خود، شعور کارگران را تکامل دهد، آن‌ها را متحد کند و برای درخواست‌های عمومی‌شان بسیج و سازماندهی نماید.

او در دوران حکومت محمد رضا شاه به خاطر افکار چپ و مارکسیستی‌اش دستگیر شد و برای سال‌ها زندانی گردید.

رفیق زبردست بعد از قیام ۵۷ نیز پیگیرانه به فعالیت سیاسی و تئوریک در بین کارگران می‌پرداخت. جنبش امروزه کارگران آبادانی نتیجه تلاش‌های خستگی ناپذیر او نیز هست.

این رفیق پس از رنج طولانی ناشی از بیماری ریه، چشم از جهان فرو بست. نبود او ضایعه‌ای برای جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

نظم کمونیستی به خانواده، دوستان، رفقا و همه زحمتکشان ایران تسلیم می‌گوید و برایشان در مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری فاشیستی ایران موفقیت و پیروزی آرزو مینماید.



نبرد دیگری در راه است خود را آماده کنیم!

نماینده دولت، نماینده وزارت کار و نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور حضور داشتند. در واقع نماینده واقعی کارگران، در این نشست اجازه حضور نداشت. قرار بوده که در این

به وجود آورد، اگر نتواند اکثریت اعضای خود را از کارگران تشکیل دهد، به احتمال قوی باز هم بیشتر از سابق از بدنه جنبش کارگری دور می‌گردد و جنبش کارگری، جا را برای اتحاد هسته‌های نوین کمونیستی باز خواهد کرد.

نبرد دیگری در راه است، خود را آماده کنیم!

پیروز باد مبارزه قهر آمیز

توده‌ای به رهبری حزب

طبقه کارگر

نکاتی در باره اطلاعیه مهم شمار ۲ «کانون بازنشستگان ایران»

به این اطلاعیه می‌بایست از دو جنبه برخورد کرد:

۱- در آخرین اطلاعیه «کانون بازنشستگان ایران» چنین آمده است: «جناب آقای رئیسی و جناب آقای قالیباف ما در اعلامیه شماره ۱ مورخ ۴/۲/۱۴۰۱ به شما آقایان اعلام و هشدار داده بودیم که همسان سازی حقوق بازنشستگان را بر اساس قانون کار شماره ۱۱۱ و ۹۶ برای سایر سطوح به میزان ۳۸ درصد افزایش و مبلغ ۵۱۵۰۰۰ هزار تومان نیز بصورت نقدی که به تصویب نمایندگان شورای عالی کار، وزیر کار و سازمان تامین اجتماعی رسیده بود، بدون ائتلاف وقت نسبت به پرداخت آن اقدام فرمایید و این مرحله جدا از نرخ تورم در سال جاری و همسان سازی با حقوق شاغلین میباشد... بعد از حدود یک هفته در رادیو اعلان سراسری کردید که قانون مذکور طبق مصوبه شورای کار و سازمان تامین اجتماعی مورد تصویب هیئت دولت قرار گرفته و در خرداد ماه پرداخت خواهد شد!!!!» جناب آقای رئیسی به غیر از خلف وعده

بی‌تامینی‌ها، علیه گرانی روز افزون هزینه‌های زندگی و دزدی‌ها و چپاولگری و علیه تعرضات هر روزه حکومتیان بر زندگی و معیشت‌مان تاکید می‌گذارد.

با اعتراضات‌مان باید کاری کنیم که کل لایحه ریاضتی بودجه‌شان را که لایحه‌ای برای سر کیسه کردن بیشتر مردم است جمع کنند و با توجه به اینکه همین امروز حداقل سبد هزینه ۳۰ میلیون است دستمزد هیچ کارگری نباید از این رقم کمتر باشد.

ما کارگران شاغل در همه بخشهای صنعت نفت، از کارگران پیمانی تا قراردادی و رسمی حول خواست افزایش حقوق متناسب با نرخ واقعی هزینه‌های معیشتی و بیمه‌های پایه‌ای اجتماعی همچون درمان رایگان، تحصیل رایگان و حق داشتن مسکن می‌توانیم و باید متحد شویم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعلام میکند که در صورت عدم تحقق این خواستها و مطالبات، به هر شکل ممکن قویا معترض خواهیم شد.

ما مطالبات خود را پیگیری می‌کنیم و به هر گونه تعرضی به زندگی و معیشت از دست رفته خود با اعتراض و اعتصاب پاسخ خواهیم داد. ما از تمامی همکاران شاغل در نفت و همه کارگران در سطح سراسری می‌خواهیم که ببایید تا با قدرت هر چه تمام‌تر فریاد رسای زن، زندگی، آزادی و اعتراض کل جامعه علیه فقر و بردگی باشیم.»

در واقع کارگران نفت، اتحاد وسیع طبقه کارگر و نیروهای مترقی در مبارزه مرگ و زندگی با رژیم جمهوری اسلامی را خواستار گشته است.

موج عظیم دیگری در راه است. این موج همه نیروهای جامعه را می‌آزماید و جای هر یک را بر مبنای ماهیت طبقاتی‌شان مشخص می‌سازد. این بار جنبش کمونیستی اگر سرفراز بیرون نیاید، اگر نتواند حزب کمونیست راستین ایران را

میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ به رقم ۲۷۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ افزایش پیدا کرده است.» (تسنیم - قرائت در ۲۶ مارس ۲۰۲۳)

در واقع بودجه دفاعی و امنیتی در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۴۱٫۸٪ افزایش یافته است. یعنی دولت برای سرکوب کارگران و مردم آزاده، ۱۴۱٫۸٪ بیشتر از سال پیش از جیب همین مردم می‌چاپد.

نتیجه همه این سیاست‌های اقتصادی خانمان برانداز، کم شدن غیر قابل کنترل قدرت خرید مردم و در نتیجه تورم و بحران بیشتر اقتصادی - سیاسی‌ست که کل جامعه را میلرزاند و اکثریت مردم را به بیماری و فقر بیشتر میکشاند.

در شرایطی که ناشی از خیزش سرتاسری اخیر هنوز تنش‌های وسیعی در طبقه کارگر، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، زنان و جوانان، وجود دارد، اعمال چنین جنایت و تحقیری نسبت به کارگران و زحمتکشان جامعه، موج بزرگی از مبارزه زحمتکشان که عظیم تر از موجی که از قتل مهسا آغاز شد، علیه رژیم سرمایه‌داری به وجود خواهد آورد. موجی که در آن طبقه کارگر با جاذبه طبقاتی خود اکثر اقشار و نیروهای مترقی را به گرد خود متحد خواهد کرد و گام بزرگ دیگری رژیم سرمایه‌داری ایران را به مرگ محتومش نزدیک خواهد نمود.

علیه تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲، «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت»، در ۱۴ مارس ۲۰۲۳ بیانیه‌ای صادر کرده است که بخشی‌هایی از آن را در زیر می‌آوریم:

«در چنین شرایطی مبارزه برای افزایش دستمزد ارتباط مستقیمی با اعتراضات مردمی در سطح جامعه و در برابر کل این بساط توحش و فقر و بردگی است. این شرایط بیش از هر وقت دیگری بر اتحاد سراسری ما کارگران و ما مردم برای اعتراضاتی سراسری علیه دستمزدهای زیر خط فقر، علیه وخیم تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی‌مان و

باعث گردیده است. وجدان سردمداران این رژیم، در انباشت پول و طلا در حساب‌های خود و چپاول هر آنچه که قابل چپاول است، خلاصه می‌گردد، نه در چیز دیگری.

رژیم سرمایه‌داری - مذهبی ایران قادر به هیچ تغییر مثبتی در جامعه نیست. مردم ایران فقط یک راه دارند و آن هم سرنگونی کل دولت سرمایه‌داری در این کشور است.

نظم کمونیستی دوستانه از این برادران می‌طلبد که با مبارزه و تصحیح این انحرافات دوگانه، انسجام و وحدت والاتری را جهت سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران، تضمین نمایند.



جهان به انقلاب سوسیالیستی نزدیک می‌شود

قدرت بزرگترین کنسرن‌های جهانی به حدی است که بیش از ۸۵٪ بازار بین‌المللی و حدود ۹۰٪ از ثروت جهانی را تحت کنترل دارند. در نتیجه تعداد کنسرن‌هایی که از یک کشور نشأت گرفته‌اند، نشانه سطح قدرت این کنسرن‌ها و قدرت بین‌المللی کشور مادر این کنسرن‌هاست. تعداد این کنسرن‌ها ۵۰۰ عدد است. در سال ۲۰۰۰ تعداد کنسرن‌های چینی ۳ عدد و کنسرن‌های آمریکایی ۱۸۵ عدد بوده است.

ولی در سال ۲۰۲۰ تعداد کنسرن‌های چینی ۱۳۳ عدد و کنسرن‌های آمریکایی ۱۲۱ عدد محاسبه شده‌اند. (ایرنا - رادیو بین‌المللی چین - کد خبر ۸۳۹۰۴۵۰۶) به بیان دیگر قدرت اقتصادی کنسرن‌های امپریالیستی چینی در استعمار طبقه کارگر در سطح بین‌المللی در این روزها از امپریالیسم آمریکا پیشی گرفته است.

اطلاعی با ملایان حاکم، در حرکت سیاسی و اقتصادی جنبش بازنشستگان نقش مخرب تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند.

این ضعف و انحراف بزرگ در زمینه سیاسی به روشنی در این اطلاعیه خود را نشان داده است. در اطلاعیه چنین آمده است: به رئیسی می‌گوید:

«قطعاً با استعفای شما این مملکت ویران و نابود نخواهد شد و نظام نیز از بین نخواهد رفت، بشرطی که شما اجازه فرمایید افراد شایسته و دلسوز و متخصص به راس کار بیایند که الحمدالله کم نیستند جوانان نخبه و متعهد در این سرزمین ... مخلص کلام امروز صدای ما را شنیدید و همینطور خواسته ما را ... اگر به ندای وجدان و قانون عمل کردید که زهی توفیق و اگر دوباره با دروغ و تزویر و خریدن زمان بازی کردید، طبق اعلان قبلی دوباره و دوباره و صد باره ما را خواهید دید منتها اینبار تمامی مسئولیت این اعتراضات بحق و مردمی بر گردن شما آقایان می‌باشد.»

بدین ترتیب اعلامیه بر این نظر است که رئیسی می‌تواند دو راه را در پیش بگیرد:

۱- ادامه تزویرها و سیاست‌های ارتجاعی که تا کنون به پیش برده است.

۲- امکان گماردن افراد شایسته و دلسوز و متخصص که الحمدالله کم نیستند و نخبه و متعهد هستند بر مصدر کارها و رتق و فیق مثبت امور به نفع بازنشستگان.

این یک توهم است. یک رژیم سرمایه‌داری و مذهبی وابسته امکان تغییرات مثبت در جهت بهبود زندگی مردم را ندارد. ولی اطلاعیه این امر غیر ممکن را ممکن ارزیابی نموده و در فکر کارگران و بازنشستگان توهم نسبت به رژیم ایجاد می‌کند. جمله زیر بیشتر ماهیت انحرافی اطلاعیه را بر ملا می‌سازد: به رئیسی می‌گوید «اگر به ندای وجدان و قانون عمل کردید که زهی توفیق...»

همان طور که خواننده ملاحظه می‌کند، نقطه اشتراک ایدئولوژیک با حاکمین، توهم سیاسی نسبت به همان رژیم را نیز

و قول جنابعالی دروغ هم می‌گویید!!!! تمام مسئولین کشور بخصوص شما آقای قالیباف و آقای رئیسی دائم از حفظ نظام و انقلاب صحبت می‌کنید در نظامی که به گفته معاونت رفاه اجتماعی وزارت کار در مهر ۱۴۰۰ تا سال ۱۳۹۹ حدود ۲۶ میلیون نفر جمعیت کشور در فقر مطلق زندگی می‌کنند، و به گفته محمد رضا پور ابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در مورخ ۲۶ ابان ۱۴۰۰ نرخ فقر در ایران ۱۰ درصد افزایش داشته است، ایا با این آمار و روش و الگو می‌خواهید نظام و انقلاب را حفظ کنید؟؟؟؟!!!! زهی خیال باطل» و در ادامه آمده است «جناب آقای رئیسی و جناب آقای قالیباف مگر این مملکت ارثیه پدری شما میباشد که در چهل و اندی سال بصورت دائم از این صندلی به آن صندلی و از این پست به آن پست می‌روید، آقای قالیباف کارنامه شما در شهرداری تهران موجود است!!!! آقای رئیسی کارنامه شما هم در همین مدت با معدل بیست و نشان درجه یک کشوری صادر گردید» این اطلاعیه به واقع سندی است که به درستی ماهیت فاسد و دغلبازانه سردمداران رژیم آدم کش و ضد کارگری جمهوری اسلامی را افشا می‌کند. این سند با آمارهای خود دست اندرکاران رژیم و قول و قرارهای بی اعتبار و توطئه‌گری آن‌ها را به خوبی برملا می‌سازد.

به همین جهت از این جنبه می‌تواند تأثیر بالایی در بین زحمتکشان داشته باشد.

۲- در عین حال در اطلاعیه نکات ضعف ایدئولوژیک - سیاسی قابل تأملی نیز به چشم می‌خورد.

سند با این کلمات آغاز می‌شود: «بسم الله قاصم الجبارین و مبیر الظالمین»

در زمانی که اکثریت مطلق مردم ایران علیه ستم اقتصادی، سیاسی و مذهبی، رستاخیز بی مثال خود را حدود شش ماه ادامه دادند و رژیم سفاک ایران را از بنیان به لرز آوردند، همسوئی فکری با این رژیم، خواسته یا ناخواسته نقاط مشترکی را با آن بیان می‌کند؛ این همخوانی ایدئولوژیک نویسندگان

بر این واقعیت یک واقعیت دیگر را نیز باید افزود. در رأس ۵۰۰ ابر کنسرن جهان بانک‌های غول آسا نشسته و آن‌ها را هدایت می‌کنند. چهار بانک چینی در رأس ابر بانک‌های بین‌المللی قرار دارند. قدرت روز افزون کنسرن‌های چینی که از پشتیبانی بی دریغ دولت مقتدر چین برخوردارند، باعث گردیده که اکثر بازارهای جهانی آمریکا توسط چین از دست‌اش خارج شود.

چنانکه ملاحظه می‌شود، در سطح بین‌المللی در زمینه اقتصادی، جا به جایی قدرت صورت گرفته است: اقتصاد چین امپریالیستی شکوفا و رو به رشد است ولی اقتصاد آمریکا طوری ورشکسته است که بخش بزرگی از بودجه سالانه‌اش پشتوانه ندارد.

آمریکا جهت ترمز این جا به جایی و تلاش جهت رسیدن به موقعیت گذشته یعنی ابر قدرت مسلط بر جهان، هر چه بیشتر به نظامی‌گری و قلدر منشی رو آورده است.

آمریکا برای جلوگیری از رشد اقتصادی و نظامی چین، علاوه بر تحریم‌های صدها میلیارد دلاری، سعی می‌کند چین را به لحاظ نظامی محاصره کند. این محاصره از دو طریق می‌تواند صورت بگیرد:

۱- از طریق دریای جنوب چین که از مدت‌های پیش ناوگان‌های جنگی و هواپیما بر آمریکا در آن جا مستقر هستند. آمریکا در آنجا، دو هدف را دنبال می‌کند: الف- محاصره نظامی چین جهت بازدارندگی این کشور از فعالیت‌های اقتصادی و نظامی در نقاط دیگر جهان. ب- اخلال در صادرات و واردات چین. زیرا از طریق دریای جنوب چین بیش از ۵ هزار میلیارد دلار کالا حمل و نقل می‌شود. این خطر اقتصادی بزرگی برای چین است. لذا، ورود یک ناو هواپیما بر آمریکا و گروه خدماتی و ضربتی آن به آب‌های چین در دریای جنوب چین در ۶ مرداد ۱۴۰۱ و برگزاری مانور نظامی در آب‌های دریای جنوب چین در ۲۱ بهمن

۱۴۰۱ خشم رهبران چین را برانگیخته و باعث حثت بی سابقه تضادهای آمریکا و چین گردیده است.

۲- از طریق شرق روسیه. لذا تضعیف روسیه، تجزیه و تقسیم آن برنامه طولانی مدت آمریکا است که ناتو در این جهت گام به گام کشورهای را که سابقاً جزوی از اتحاد شوروی بودند، به عضویت خود در آورده و روسیه را از جانب غرب در محاصره گرفته است. اگر اوکراین به عضویت ناتو در آید و تسلیحات استراتژیک ناتو در آن مستقر شود، می‌توان از کیف مسکو را هدف قرار داد. به این ترتیب امنیت سرزمینی روسیه به طور کامل در خطر قرار می‌گیرد.

روسیه به دو دلیل نمی‌تواند عضویت اوکراین در ناتو را بپذیرد: ۱- امنیت سرزمین‌اش و ۲- سیاست تهاجمی‌اش به کشورهای سابقاً سوسیالیستی و عضو اتحاد شوروی. لذا با صد هزار سرباز و تجهیزات حمله خود به این کشور را آغاز کرد.

چین برای جلوگیری از پیشرفت ناتو و امنیت روسیه، بعد از ترکیه خواهان آتش بس شد و طرحی برای صلح دو کشور ارائه داد.

آمریکا به چند دلیل مخالف آتش بس و صلح است:

۱- استراتژی ناتو در محاصره چین باید پیش رود.

۲- با جنگ در اوکراین انسجام نسبی اکثر کشورهای ناتو تحت فرمان آمریکا ممکن گردیده و مجموعه غرب در ۱۴۰۸۱ زمینه روسیه را تحریم کرده است. در عین حال آمریکا مخارج جنگ اوکراین را بر دوش اروپائیان انداخته است. مثلاً ارسال ۳۱ تانک لئوپارد ۲ توسط آلمان (۱۸ فروند) و سوئد و پرتغال (۱۳ فروند)، ارسال موشک‌های دور برد تا ۱۷۰ کیلومتر و هزاران تن مواد منفجره که اقتصاد اروپا را می‌لرزاند و فقر را در جوامع اروپایی گسترش می‌دهد. ولی مناسبات کشورهای

اروپا با آمریکا و با همدیگر نیز مملو از سرسپردگی، ریا و فشار و ارباب است. چند مثال:

لوله گاز رسانی روسیه به آلمان (نورداستریم ۲) پس از تحریم آمریکا به حال تعلیق درآمد. از طریق این لوله سالانه ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز از روسیه به آلمان صادر می‌شد. این لوله ۱۲۳۰ کیلومتری برای آلمان ۱۱ میلیارد دلار خرج برداشت. آمریکا در طی یک عملیات سریع و مخفیانه آن را منفجر نمود: «سیمور هرش، روزنامه‌نگار تحقیقی آمریکایی روز گذشته در گزارشی فاش کرد که انفجار خط لوله نورداستریم در دریای بالتیک عملیات مخفیانه‌ای بوده که دستور آن توسط «جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا صادر شده و توسط سیا به اجرا درآمده است.» (رادیو فردا - ۳ فروردین ۱۴۰۲)

انفجار این لوله با این هدف انجام شد که اروپا به ویژه آلمان مجبور به خرید گاز و نفت از آمریکا شوند. این توطئه علیه کشورهای اروپا نتیجه مثبتی برای آمریکا به بار نیاورد.

آمریکا مایل است که معاملات خارجی اروپا به دلار انجام گیرد ولی رئیس دفتر نخست وزیر مجارستان چنین می‌گوید: «در ظاهر بسیاری از کشورها حاضر نشدند گاز روسیه را با روبل پرداخت کنند، ولی ۱۰ کشور اروپایی در حال حاضر این شرط را پذیرفته و بدون اطلاع رسانی عمومی در حال خرید گاز صادراتی این کشور هستند.»

گولیا گفت که مجارستان یک حساب یورو در بانک گازپروم روسیه باز کرده است که پرداخت‌ها را قبل از انتقال به تامین کنندگان در روسیه به روبل تبدیل می‌کند. این سیستم به خریداران اروپایی اجازه می‌دهد تا به شرط پوتین عمل کنند.» (سایت مشرق - ۱۲ اربیبهشت ۱۴۰۱)

۳- هر کشوری در اروپا برای حفظ خود از خطر روس خود را به سلاح‌های پیشرفته مجهز می‌کند. این کشورها

توسط اوکراین. یعنی پذیرفتن اشغال بخش‌هایی از اوکراین توسط روسیه. غرب طرح صلح چین را نپذیرفته است.

با کمی دقت روشن می‌شود که جنگ در اوکراین، جنگ کشورهای امپریالیستی غرب به اضافه ژاپن با ابر قدرت‌های روسیه و چین است.

با هر گام آمریکا در نزدیکی به این هدف استراتژیک (محاصره چین)، چین بیشتر در مخاطره قرار می‌گیرد. در نتیجه با هر گام آمریکا به پیش یعنی با ارسال سلاح‌های استراتژیک به اوکراین و مخاطره بیشتر روسیه، چین آشکارتر و همه جانبه تر وارد معرکه می‌شود.

چین و روسیه تا قبل از مسافرت اخیر شی جین پینگ به مسکو قرار داده‌ای میلیاردی نفتی امضاء کرده بودند. در ماه مه ۲۰۲۲ چین در هر روز ۱,۹۹ میلیون بشکه نفت از روسیه خریداری کرد. این قرار داد برای ده سال تمدید گشته است.

رئیس جمهور چین در همان اوائل جنگ روسیه و اوکراین با مسکو توافق نامه «مشارکت نامحدود» را امضا کرد. شی جین پینگ در ۲۰ مارس ۲۰۲۳ برای اقامت سه روزه وارد مسکو شد. این سفر نشان داد که چین یکی از پشتیبانان قدرتمند روسیه است. به ویژه که در این مدت کوتاه رهبران دو کشور توافق نامه‌هایی در «همکاری‌های استراتژیک و گسترش روابط دو جانبه» امضا کردند.

حدسیات کشورهای غربی در کمک‌های سنگین نظامی چین به روسیه، نمی‌تواند دور از واقعیت باشد. زیرا «همکاری‌های استراتژیک» هیچ معنای دیگری ندارد جز این که اگر روسیه و چین به طور واقعی در خطر قرار گرفتند از هم پشتیبانی کنند.

چین و هند دو کشوری هستند که با خرید نفت و گاز در ابعاد عظیم از روسیه، تأثیر تحریم‌های غرب را کاملاً کاهش داده‌اند. «بر اساس گزارش Refinitiv، حجم نفت خام وارداتی چین از روسیه از طریق دریا، بدون احتساب خطوط لوله،

اکراین فرستاده می‌شود و برای ساختن مدل‌های جدید اسلحه و پر کردن جای خالی سلاح‌هایی که به کشورهای اروپایی مثل آلمان فروخته شده است کارخانه‌های اسلحه سازی با شدت مشغول می‌شوند و محل اشتغال به وجود می‌آید.

به همین جهت هم تا وقتی حتی یک اوکراینی در اوکراین زنده باشد، آمریکا جنگ را ادامه می‌دهد.

اخیراً آمریکا با فرستادن جنگنده‌های اف ۱۶ توسط متحدانش به اوکراین توافق کرده است. این تنش فزاینده‌ای به مناسبات روسیه و چین و آمریکا می‌دهد. «مایکل کارپنتر» سفیر آمریکا در «سازمان امنیت و همکاری اروپا» اعلام کرد که آمریکا از فرستادن جنگنده‌های اف ۱۶ توسط متحدینش مثل هلند به اوکراین حمایت می‌کند. (سایت وبگاه) آمریکا و متحدینش تا کنون انواع و اقسام جنگنده‌ها، پهپادها و موشک‌های با برد بیش از ۱۰۰ کیلومتر و کمتر از ۲۵۰ کیلومتر را به اوکراین ارسال کرده‌اند. آخرین هدیه بایدن به زلنسکی بسته کمکی به ارزش تقریباً ۳۵۰ میلیون دلار می‌باشد.

سایت آلمانی می‌نویسد: «غرب انتظار داشت با اعمال ۱۳۵۰۰ تحریم در زمینه‌های مختلف اقتصاد روسیه را درهم بشکنند. DW/fa-ir - قرانت در ۲۲ مارس ۲۰۲۳) ولی این محاسبه نیز غلط از آب درآمد.

شی جین پینگ جهت توقف تلاش‌های نظامی آمریکا در جنگ اوکراین، در فوریه ۲۰۲۳ یک طرح ۱۲ ماده‌ای برای مذاکره و برقراری صلح ارائه داد. این طرح مورد پذیرش پوتین و موافقت زلنسکی واقع است. ولی روسیه برای تحقق آن، پیش شرطی گذاشته است: پذیرش "واقعیت‌های جدید ژئوپلیتیکی"

مشتری خوب سلاح‌های آمریکائی هستند مثلاً آلمان برای حفظ امنیت خود ۷۰ میلیارد دلار از آمریکا اسلحه سفارش داد. به این ترتیب آمریکا توانسته است با فروش صدها میلیارد دلار اسلحه، مهر و موم صندوق مالی کشورهای اروپائی را بشکند و شریان‌های مکنده خود را در آن‌ها فرو کند. بدین جهت درصد بی پشتوانگی بودجه آمریکا نقصان یافته است. جنگ اوکراین خواست دولت‌های اروپائی و ژاپن را در برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکائی از کشورشان ملغا کرده است. آمریکا در ایتالیا ۱۱۳ پایگاه، در آلمان ۵۶ و در ژاپن ۸۴ پایگاه مستقر کرده است. استقرار این پایگاه‌ها در کشورهای اروپائی نفرت مردم این کشورها از دولت‌هاشان و امپریالیسم آمریکا را تا نهایت دامن زده است. جنگ اوکراین به ورشکستگی ده‌ها هزار شرکت اروپائی که مواد اولیه خود را از روسیه وارد می‌کردند، انجامید که در این روند صدها هزار نفر بیکار شده‌اند. یکی از دلایل اعتصابات گسترده علیه ارسال اسلحه اروپا به اوکراین، همین بیکاری‌های جمعیست. در عوض صدها میلیارد دلار سود نصیب کنسرن‌های اسلحه سازی کرده است.

۴- فرستادن سلاح‌های کهنه شده به اوکراین و آزمایش سلاح‌های مدرن در این جنگ.

لذا آمریکا خواهان طولانی شدن جنگ است. آمریکا تا کنون ۳۴ میلیارد دلار اسلحه به اوکراین ارسال کرده است. (آمار از نینک، سخنگوی وزارت امور خارجه چین - ۸ اسفند ۱۴۰۱) اخیراً بایدن در مصاحبه‌ای گفت: جانشین کردن آن مقدار اسلحه که به اوکراین فرستاده شده، ۶ سال وقت و کار لازم است.

جنگ اوکراین تا زمانی که در جریان است اقتصاد آمریکا را بازسازی می‌کند. سلاح‌هایی که سالیان سال انبار شده‌اند به

سرنگون باد رژیم

سرمایه داری - مذهبی جمهوری اسلامی ایران

در ماه می حدود ۸۰۰۰۰۰ بشکه در روز بود که نسبت به جنوری، بیش از ۴۰ درصد افزایش داشت و واردات نفت روسیه از طریق دریا به هند از صفر در سال گذشته در ماه جنوری به کمتر از ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش یافت» (اسپوتنیک افغانستان - قرائت در ۲۳ مارس ۲۰۲۳)

در عین حال مجارستان اعلام کرد که «سیاست مهار و تضعیف روسیه یک استراتژی بلند مدت برای کشورهای غیر دوست است و هدف اصلی ایالات متحده و اروپا بدتر کردن زندگی میلیون‌ها نفر است.» (همانجا)

دولت ایران نیز در پشتیبانی از روسیه تا کنون صدها پهباد به این کشور ارسال کرده و صادرات و واردات خود با روسیه را وسیعاً گسترش داده است. ترکیه نیز پیش از جنگ اوکراین موضع خود را روشن کرده بود. وزیر خارجه ترکیه موضع شفاف‌تری در مخالفت تحریم‌های علیه روسیه اتخاذ کرد. وزیر امور خارجه این کشور در ۱۰ اسفند ۱۴۰۱ گفت: «آنکارا از تحریم‌های یکجانبه علیه هیچ کشوری از جمله ایران و روسیه حمایت نمی‌کند.» (ایرنا - کد خبر: ۸۵۰۴۴۹۳۱)

این مواضع نشان می‌دهد که بر خلاف تبلیغات غرب که ناتو یکپارچه و روسیه منفرد است، اغوا گرانه و کاذب است.

تهاجم اقتصادی و سیاسی امپریالیسم چین در خاورمیانه به منافع آمریکا و مسافرت شی جین پینگ به این منطقه، پاسخی گویا به اقدامات آمریکا در دریای جنوب چین و ارسال بی رویه اسلحه غرب به اوکراین است.

بعد از فرار آمریکا از افغانستان و آواره شدن بیش از ۱۲۰ هزار افغان به اقصا نقاط دنیا، اعتماد مردم و کشورهای جهان به ویژه کشورهای خاورمیانه و امیر نشین‌های خلیج فارس از آمریکا سلب گردید.

شکست سیاسی آمریکا در خاور میانه، تضاد عربستان سعودی را با این کشور

تشدید کرد. اوپک پلاس در ۱۳ مهر ۱۴۰۱ تصمیم گرفت که روزانه ۲ میلیون بشکه نفت کمتر تولید کند. این عمل باعث گرانت‌تر شدن نفت و در نتیجه بالا رفتن درآمد نفتی روسیه گردیده و آمریکا را شدیداً عصبانی کرده و وجهه سیاسی بایدن را در داخل کشورش خدشه دار ساخته است. این امر به دوری بیشتر آمریکا از عربستان سعودی انجامیده است. دو ماه پیش سفر بایدن به عربستان با شکست رو به روشد. بایدن سعی کرد بن‌سلمان را به افزایش تولید نفت وادارد ولی تا زمانی که بایدن در خاورمیانه بود تولید عربستان فقط ۱۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. این نشان می‌دهد که مناسبات عربستان با روسیه بسیار فشرده‌تر و دوستانه‌تر از مناسبات با آمریکا است. دولت آمریکا برای کاهش قیمت نفت سعی کرد از منابع استراتژیک خود روزانه یک میلیون بشکه نفت بیشتر تولید کند ولی این امر نیز به پائین آمدن قیمت نفت نینجامید.

از قرار معلوم عربستان برای حفظ امنیت خود نیروی دیگری را یافته است: حیات خلوت آمریکا دروازه را برای توپ امپریالیسم چین گشوده است. با روی کار آمدن دولت بایدن، مناسبات اقتصادی و سیاسی عربستان با چین هر روز گسترده‌تر گردیده و زمینه‌های جدیدی را در بر گرفته است.

سرمایه‌گذاری عربستان در چین حدود صد میلیارد دلار است. (مجله اتلانتیک - ۳ مارس ۲۰۲۲) «فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان سعودی چند روز پیش اعلام کرد که عربستان در رتبه‌بندی سرمایه‌گذاری خارجی چین در ثلث اول سال ۲۰۲۲ رتبه اول را کسب کرده است.» (خبرگزاری دانشجو - ۱۱ آبان ۱۴۰۱)

۵۶٪ از سرمایه‌گذاری ۲۸ میلیارد دلاری چین در زمینه یک کمر بند و یک جاده، یعنی ۵،۵ میلیارد دلار را عربستان جذب کرده است. در عین حال عربستان دریافت کننده اصلی سرمایه‌های چین در زمینه گاز است:

۴،۴ میلیارد دلار و بعد از آن عراق بیشترین سرمایه‌چینی را در این زمینه دریافت کرده است.

ارزش صادرات عربستان به چین در سال ۲۰۲۲ بیش از ۵۰ میلیارد دلار به عبارت دیگر ۱۸٪ کل صادرات عربستان بوده است. عربستان به تنهایی ۱۷٪ نفت مورد نیاز چین را تأمین می‌کند.

در همین روند است که شی جین پینگ در سفر اخیرش به عربستان و شرکت در نشست شورای همکاری خلیج فارس با این کشور ۳۴ قرارداد به ارزش ۳۰ میلیارد دلار به امضاء رساندند. در عین حال عربستان در مدت سفر شی جین پینگ به این کشور و بعد از امضای قرارداد بین آرامکو و شرکت چینی تصمیم گرفت در سازمان همکاری شانگهای عضو شود. شی جین پینگ در عین حال در نشست شورای همکاری خلیج فارس نصایح دیپلماتیکی نیز به ایران کرد که باعث رنجش مقامات سیاسی ایران شد.

در نتیجه عربستان به یکی از پایگاه‌های تأمین انرژی و صادرات و واردات چین تبدیل شده است.

رئیس‌جمهور چین چند روز پیش از سفر به ریاض، با قطر قرارداد ۲۷ ساله‌ای منعقد کرد که بر مبنای آن قطر می‌بایست برای مدت ۲۷ سال، به شرکت چینی سینوپک سالی چهار میلیون تن گاز مایع صادر کند. در عین حال چین تلاش می‌کند در بهره‌برداری از فاز شرقی میدین شمالی قطر سرمایه‌گذاری نماید. این اقدامات در حالی انجام می‌گیرد که غرب برای خرید گاز به هر دری می‌زند. و آمریکا برای صدور سرمایه‌های راکدش حاضر به هر اقدامی است.

مناسبات چین و پاکستان سابقه بسیار طولانی دارد. یکی از پایگاه‌های چین در تضعیف آمریکا در منطقه خاورمیانه، پاکستان است. چین با این کشور در ۲۰ آوریل ۲۰۱۵ قراردادی به مبلغ ۴۶

میلیارد دلار با ۵۱ تفاهم نامه به امضاء رساند. از آن تاریخ نیز روابط دو کشور بسیار نزدیک و صمیمانه است.

مناسبات سیاسی و اقتصادی چین با ایران اظهارمن‌الشمس است که احتیاج به توضیح ندارد.

مشاور ارشد رئیس امارات، انور قرقاش، در آبان ۱۴۰۱ گفت: «روابط تجاری ما به طور فزاینده‌ای به سمت شرق است...» (خبر آنلاین - قرائت در ۲۱ مارس ۲۰۲۳)

به بیان دیگر دخالت‌های روز افزون چین در مناسبات اقتصادی و سیاسی خاورمیانه ناشی از خلاء قدرت آمریکا و عقب نشینی اقتصادی - سیاسی این کشور از منطقه است.

آمریکا در آفریقا نیز به لحاظ اقتصادی و سیاسی شکست خورده است. مادر کمون شماره ۲۰ در مورد صدور سرمایه چین به کشورهای آفریقایی چنین آورده‌ایم «طلب چین فقط از برخی کشورهای آفریقایی تا سال ۲۰۲۰ حدود ۱۴۵ میلیارد دلار بوده است.» قراردادهای هنگفت بعد از ۲۰۲۰ را نیز باید بدان افزود.

تهاجم اقتصادی سیاسی چین در جهان باعث فروکش اقتصاد آمریکا گشته است به طوری که کسری بودجه آمریکا در سال ۲۰۲۰ به ۱,۱ هزار میلیارد دلار رسید و بودجه نظامی تا ۷۳۸ میلیارد دلار بالا رفت. امپریالیسم آمریکا برای ادامه حیات نزدیک به مرگش، چاره‌ای جز نظامیگری در جهان ندارد.

آمریکا سعی می‌کند یک جبهه نظامی از کشورهای دوست علیه چین و روسیه به وجود آورد، در حالی که چین سعی می‌کند یک جبهه اقتصادی سیاسی علیه آمریکا سازمان دهد. غیر از کشورهای آس آن و شانگهای، با طرح یک کمربند و یک جاده، سعی در تخفیف درگیری‌های کشورهای دارد که با آنها مناسبات اقتصادی سیاسی برقرار کرده است. نزدیکی گام به گام ایران و عربستان سعودی، مانور مشترک چین،

روسیه و ایران در آبهای ایران و توافقنامه جدید «همکاری‌های مشترک امنیتی ایران و عراق» را باید از این منظر تحلیل نمود.

تا مدتی پیش امپریالیسم چین فقط با تهاجم اقتصادی بازارهای آمریکا را از دست‌اش می‌ربود، با تشدید تضاد منافع بین دو کشور، چین فعالیت سیاسی‌اش را نیز به طور آشکار در متحد کردن کشورهای که با آنها رابطه اقتصادی دارد و علیه جنبش‌های ضد استثمار و ضد امپریالیستی گسترش داده و آشکار کرده است. ادامه این جریان اجتناب ناپذیر به دخالت نظامی این کشور در کشورهای دیگر می‌انجامد.

درگیری ابرقدرت‌ها و اساسا تضادهای درونی قدرت‌های امپریالیستی در جهان بر سر چیست؟ بر سر این است که چه کسی بر بازار و تولید بین‌المللی تسلط داشته باشد. هدف این تسلط کسب سود است. سود در جهان امروزه عبارت است از ارزش اضافه‌ای که کارگران تولید کرده‌اند ولی به وسیله سرمایه‌داران به غارت رفته است.

در نتیجه دعوا بر سر این است که چه نیروی حاصل دسترنج کارگران را در سطح جهانی غارت کند.

با انگیزه جنگ اوکراین، کنسرن‌های جهانی باعث گرانی بی سابقه‌ای گردیدند و از این ممر تا کنون صدها میلیارد دلار از انبال مردم به غارت برده‌اند. در حال حاضر بزرگترین استثمارگران نیروی کار در جهان چین، آمریکا و روسیه هستند.

زمانی که ۸۵ درصد از بازار جهانی و ۹۰ درصد از ثروت جهان تحت کنترل ۵۰۰ ابر کنسرن امپریالیستی بین‌المللی است، می‌توان درجه چپاول میلیاردها نیروی کار را در پیش چشم مجسم ساخت. این تمرکز ثروت در نقاط میکروسکوپی در بالای هرم جهانی سرمایه، باعث فقر مطلق، بیکاری، نابسامانی‌های اجتماعی، شیوع

بیماری‌های هولناک، گسترش اعتیاد، تن فروشی و جنایت و گسترش کودکان کار و خیابانی می‌گردد. این تمرکز ثروت شیرازه زندگی و بنیان‌های اساسی هر جامعه‌ای را از هم می‌پاشد و باعث بحران‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روحی درمان ناپذیری می‌گردد.

«یونیسف» و سازمان بین‌المللی کار (آی ال او) مشترکا برآورد کرده‌اند که تعداد کودکان کار در سال ۲۰۲۲ بیش از ۱۶۰ میلیون نفر بوده است. این تعداد در سال ۲۰۱۶ حدود ۹۴ میلیون بوده که در عرض هشت سال بیش از ۱۷۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

بانک جهانی در گزارش ۲۰۲۰ خود معیار زیر خط فقر را درآمد روزانه کمتر از ۵,۵ دلار تعیین کرد. بر مبنای این گزارش ۱۰ درصد مردم دنیا زیر خط فقر مطلق هستند زیرا درآمد روزانه آنها کمتر از ۱,۹ دلار است. بر این مبنای بیش از نیمی از مردم جهان یعنی بیش از ۴ میلیارد نفر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در دو سال اخیر بر این تعداد افزوده گشته است.

بر مبنای گزارش سازمان بین‌المللی کار ILO تعداد بیکاران جهان در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۰۸ میلیون نفرند.

تعداد معتادین جهان بر مبنای گزارش سازمان ملل در ۲۰۲۰، بیش از ۲۷۵ میلیون نفر بوده است. به گفته گادا ویلی، رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل، هر سال حدود نیم میلیون نفر به این جمعیت اضافه می‌گردد. به بیان دیگر تعداد معتادان از تعداد بیکاران جهان بیشترند.

کل ثروت جهان در ۱۳۹۹ حدود ۴۰۰۱۸۰ میلیارد دلار بوده است. ۴۳,۴٪ آن فقط در اختیار ۱٪ از جمعیت جهان بوده است. و ۸۴٪ آن در اختیار ۱۲٪ از جمعیت جهان قرار داشته است.

این تمرکز ثروت باعث ایجاد رژیم‌های فاشیستی و حرکت به راست دولت‌های سرمایه‌داری غیر فاشیستی می‌گردد در حالی که دامنه اعتراض توده‌های استثمار

در اپوزیسیون) علیه انقلاب و جنبش استقلال طلبانه در ایران سازمان داده‌اند.

علیه جنبش مشروطه:

انقلاب مشروطه ایران یکی از عظیم‌ترین انقلابات خاورمیانه است. در این انقلاب سرواژ و برده‌داری و دولت طبقاتی آن توسط کارگران مانوفاکتور، دهقانان فقیر، بورژوازی تجاری که توسط دو نیروی متضاد (روحانیت شیعه و سوسیال - دمکراسی) رهبری می‌شدند، از ریشه برکنده شد. ساختار جامعه ایران به یک ساختار فئودالیسم کلاسیک بر مبنای نسق تحول یافت. در این ساختار با رشد طبقه کارگر و بورژوازی و رشد جنبش سوسیال دمکراسی که شدیداً تحت تأثیر رشد و گسترش سوسیال دمکراسی در روسیه بود، جنبش دمکراتیک به چپ متمایل شد. در مقابل حرکت به چپ جنبش، بورژوا فئودال‌های ایران با همیاری امپریالیسم انگلیس آترناتیوی را تدارک دیدند و آن را به اجرا در آوردند.

این آترناتیو چیزی جز به قدرت رساندن فئودال - بورژواهای ایران به رهبری رضا شاه نبود.

علیه جنبش استقلال طلبانه و ملی کردن صنعت نفت:

روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف مجلس شورای ملی به تصویب رسید. این مصوبه در شرایطی به تصویب رسید که رقابت سختی میان انگلیس و آمریکا بر سر تصاحب نفت و سلطه بر ایران در گرفته بود.

دکتر مصدق به عنوان یک شخصیت ملی ضد انگلیسی و در عین حال ضد کمونیست در رأس این جنبش قرار گرفته بود. به علت در خطر قرار گرفتن منافع مالی امپریالیسم انگلیس، این امپریالیسم با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و روحانیت شیعه تصمیم به سرنگونی او گرفتند. آترناتیو این نیروهای امپریالیستی به

۲- رایزنی با دولتهای دمکراتیک برای اخراج سفرای جمهوری اسلامی.

۳- رایزنی با دولتهای دمکراتیک برای اخراج وابستگان جمهوری اسلامی در کشورهای متبوع خود.

۴- رایزنی با دولتهای دمکراتیک برای حمایت از این منشور و سازماندهی پس از آن.

۵- ایجاد راه‌هایی برای یاری رسانی به مردم ایران.

خمینی هم از باورهای مشترک حرکت کرد و بعداً خود را به عنوان سمبل باور مشترک مردم معرفی نمود.

رضا پهلوی هم از باورهای مشترک نیروهای خواهان تغییر... صحبت می‌کند و حتماً خود را سمبل این باور مشترک جا خواهد زد.

بندهای این منشور نشان می‌دهد که کلیه فعالیت‌ها بر محور رایزنی با دولتهای "دمکراتیک" تنظیم گردیده است. این دولتهای "دمکراتیک" امپریالیستی چپ‌اولگران کارگران کشور خود و کارگران بین‌المللی و غارتگران منافع و ثروت کشورهای دیگر هستند. این دولتهای "دمکراتیک" دولتهای دیکتاتوری سرمایه‌داری و خونخوارترین آن‌ها می‌باشند.

شاهزاده و شرکا از این واضح تر نمی توانستند سرسپردگی خود را به دولتهای امپریالیستی ثابت کرده و آن‌ها را دوست و ناجی مردم معرفی کنند. همین دولتهای "دمکراتیک" بودند که پدر بزرگ و پدر شاهزاده را به قدرت رساندند و وقتی تاریخ مصرفشان تمام شد، آن‌ها را آواره و به مرگ محکوم کردند و ده‌ها سال نیز تمام هستی کشور ما را در زمان حاکمیت آن‌ها به غارت بردند.

امپریالیسم از آغاز قرن گذشته میلادی تا پیش از جنبش عظیم و سرتاسری اخیر، سه آترناتیو ضد انقلابی را با همیاری بورژوازی خیانت پیشه داخلی (بورژوازی حاکم و یا بورژوازی لیبرال

زده و تحت ستم هر روز گسترش می‌یابد و به چپ متمایل می‌شود. مبارزات میلیونی مردم در هند علیه فساد و ریاضت اقتصادی، مبارزه مردم عراق در ۲۰۱۹ علیه ۱۶ سال فساد دولتی و وابستگی، مبارزات مردم فرانسه علیه طرح قانون بازنشستگی، مبارزات مردم آمریکا علیه نژاد پرستی و فشارهای سیاسی دولتی، مبارزات آزادیخواهان روسیه علیه جنگ و اشغال نامحقاته برخی از مناطق اوکراین و مبارزات موج‌وار و پرافت و خیز کارگران چینی به طور روشن بخشی از مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری است. امروزه شعار "زنده باد سوسیالیسم" به یکی از شعارهای اصلی تظاهرات و اعتصابات کارگری و مردم استثمار شده و ستم دیده تبدیل گشته است. میلیون‌ها نفر در فرانسه و هند این شعار را سرداده و سرود "انترناسیونال" خوانده‌اند.

وقتی استثمار شدگان و عصیانگران ۹۹ درصد جمعیت ۸ میلیاردی جهان را تشکیل می‌دهند، سوسیالیسم آینده درخشان آنهاست. آترناتیو سوسیالیسم هر روز بیشتر مورد قبول زحمتکشان قرار می‌گیرد و پرولتاریا هر روز متشکل تر و مصمم‌تر قدم در سرنگونی سرمایه‌داری جهانی برمی‌دارد. سرمایه‌داری در قعر فساد و تباهی به مرگ نهائی نزدیک می‌شود در حالی که سوسیالیسم آینده بشریت را رقم می‌زند و افق کمونیسم با تللوئی بیشتری می‌درخشد.

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط‌مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما بپیوندید

آترناتیو سازی امپریالیست‌ها و خائنین وطنی

رسیدن به ایران دمکراتیک» انتشار یافته است. در این منشور آمده:

قدرت رساندن مجدد محمد رضا پهلوی بود.

علیه انقلاب ۱۳۵۷:

فشارهای اقتصادی بر کارگران و زحمتکشان، فشارهای سیاسی و فاشیستی بر اکثریت مردم ایران، بگير و ببندهای بی رویه و شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، باعث جنبش پا برهنگان شد که در آن نیروهای چپ و کمونیست در تکامل و تعالی بودند. این جنبش می‌رفت که به طور انقلابی رژیم پهلوی را سرنگون سازد. نیروهای امپریالیستی دوباره به دست و پا افتادند و با خدعه و نیرنگ و سوار شدن بر افکار ارتجاعی مذهبی مردم ایران، آلترناتیو رژیم سرمایه‌داری - مذهبی جمهوری اسلامی را بر جامعه ایران تحمیل کردند.

در شرایط کنونی، هیچیک از دولتهای امپریالیستی تمایلی به تعویض دولت حاکم بر ایران را ندارند، زیرا بیش از چهل سال است که از طریق این رژیم توانسته‌اند کشور ما را غارت کنند. در نتیجه تنظیم این منشور از جانب دولت‌های امپریالیستی دو هدف دارد.

۱- هدف اساسی: تحت فشار قرار دادن رژیم ایران برای تحمیل نظرات خود و اخذ امتیازات اقتصادی و سیاسی.

۲- ایجاد آمادگی برای قبضه کردن قدرت توسط عوامل خود در شرایطی که محتملاً رژیم به دست مردم سرنگون شود. زیرا تنفر نهادینه اکثریت مردم از رژیم، ادامه حیات آن را به زیر سوال برده است.

در شهریور ۱۴۰۱ دور نوبی از جنبشهای اجتماعی در سراسر کشور به وقوع پیوست. جنبشی تکامل یافته‌تر و طولانی‌تر از گذشته که ماه‌ها سراسر کشور را فراگرفت. اگرچه در حال حاضر فروکش کرده است، اما در حال بازسازی خود برای خیزش قوی‌تر بعدی است. این جنبش سمت و سوی چپ دارد. موج بعدی آن به علت تکامل آگاهی و تجربه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و

نیروهای مترقی و به ویژه فعالیت کمونیست‌ها در این جنبش، گرایش بیشتری به چپ‌نشان خواهد داد. سردادن شعار زنده باد سوسیالیسم توسط هزاران تظاهر کننده در سه شهر ایران و موضع ضد سرمایه‌داری بیانیه‌های تشکل‌های کارگری دال بر این حقیقت است.

در شرایطی که نه مردم می‌توانند تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی زندگی کنند و نه جمهوری فاشیستی اسلامی ایران می‌تواند بر چنین مردمی حکومت کند، کلیه‌ی امپریالیست‌ها شرق و غرب سراسیمه به چاره جویی مشغولند. دقیقاً در این مقطع از جنبش است که آلترناتیو از آستین رضا پهلوی و شرکاء سر درمی‌آورد.

کشورهای امپریالیستی در آلترناتیو سازی کارگشته هستند. با تغییر شرایط کشور مورد نظر، آلترناتیو آن‌ها و شخصیت‌های پیش برنده این آلترناتیو نیز تغییر می‌کنند، لذا ثابت و لایتغییر نیست. بر مبنای چنین قانونمندی در نشست‌هایی هم که در مکان‌های مختلف دنیا بر گرد این آلترناتیو مشخص تشکیل شد، افراد متفاوتی حضور داشتند. مثلاً در اولین نشست، گلشیفته فراهانی حضور داشت، در نشست کناری کنفرانس مونیخ، او نبود. نشست فقط با چهار نفر اصلی برگزار شد. در کنفرانس استنفورد ۲۵ و ۲۶ مارس ۲۰۲۳، صد شخصیت علمی خود فروخته در زمینه‌های مختلف فعالیت اجتماعی، جمع شدند تا آلترناتیو آمریکائی را به خورد مردم دهد.

بدین ترتیب روشن می‌شود که در انطباق با تغییر شرایط کشور بحرانی، نوع و پیش برندگان آلترناتیو خود را تغییر می‌دهند.

ولی در خود گروه آلترناتیو شده، همیشه اغتشاش و سردرگمی و تضادهای تشدید شوند حاکم می‌گردد مثل اغتشاشی که در گروه منشور رضا پهلوی حاکم است.

بر این مبنا روشن می‌شود که چند احتمال در این مورد وجود دارد:

۱- آلترناتیو کشورهای امپریالیستی با رضا پهلوی در رأس آن ادامه یابد و با تغییر شرایط، جوانبی از محتوا و شخصیت‌های آن تغییر یابد.

۲- این امکان وجود دارد که آمریکا و دولت‌های اروپائی آلترناتیو با رضا پهلوی را چون لولوی سر خرمن به حرکت در آورند ولی آلترناتیو واقعی خود را بی سر و صدا از درون ایران سازمان دهند.

۳- این امکان نیز وجود دارد که آن‌ها بر مبنای شرایط، دو آلترناتیو فوق را در هم ادغام کنند.

جنبش کمونیستی برای این که بتواند توطئه‌های امپریالیستی را در هر شرایطی دقیق ارزیابی کند و آن را خنثی نماید، باید ماتریالیسم - دیالکتیک به کار ببرد. توطئه (ماده در حرکت مورد تحقیق و بررسی) را در تغییرات دائم تضادهای آن (دیالکتیک) تحلیل نماید.

اگر ما با افکار منجمد، فقط یکی از سه مورد را حتمی و تغییر ناپذیر ارزیابی کنیم، نه تنها ماتریالیسم - دیالکتیک به کار نبرده‌ایم بلکه به عمق متافیزیک ایدئالیستی در غلتیده‌ایم.

انقلاب امر توده‌های میلیونی کار و زحمت است

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

نویسنده: علی رسولی

قسمت پنجم

معمای تروتسکی

به اسناد و مدارک، رویدادهای تاریخی زمان مورد بحث، بررسی شوند. در این بخش نیز، از همین شیوه پیروی خواهد شد. بررسی رویدادهای تاریخی می‌باید با استناد به اسناد و مدارک باشد، و گر نه فاقد اعتبار است، چه این که بدون اشاره به اسناد و مدارک، و تنها بر مبنای

گرایش یا هدف سیاسی، ارائه هر گونه جمع‌بندی کاملاً بی‌ارزش و در نهایت گزافه‌گویی و یا حداقل یک شعار مغرضانه خواهد بود. هنگامی که آکس لانتیه بدون اشاره و استناد به کوچک‌ترین سند و مدرک مدعی می‌شود «با رضایت استالین، هیتلر توانست دانمارک، نروژ، هلند، بلژیک و فرانسه را تسخیر کند»، جز تهمت و دروغ و فریب انسان‌های بی‌اطلاع از رویدادهای آن زمانی، هدفی را دنبال نمی‌کند. در توافق نامه دو جانبه شوروی و آلمان، کلامی درباره کشورهای که این تروتسکیست مردم فریب نام برده است، وجود ندارد. او از انگلستان که با برخی از آن کشورها قرارداد کمک‌های متقابل داشت، نامی نمی‌برد و هم چنین به نقش برخی از تروتسکیست‌های آلمانی، بلژیکی، هلندی و نروژی که بنا بر توصیه و توجیه تروتسکی، نه تنها مبارزه علیه فاشیسم را کنار گذاشتند بلکه حتی بر اساس اعترافات همکاران و پیروان سابق تروتسکی - چنانچه مختصری آورده شود - به خدمت در سازمان جاسوسی نازی‌ها، تن دادند، اشاره‌ای ندارد. او از تشکل‌های فاشیستی در آن کشورها که به عنوان ستون پنجم نازی‌ها عمل می‌کردند و زمینه را برای هجوم نیروهای هیتلر آماده کرده بودند، هیچ نامی نمی‌برد. البته از سران تروتسکیست نباید انتظار ارائه سند و مدرک نمود.

برای آنها دروغ‌گویی، شایعه پراکنی و تهمت‌زنی و در پی آن، شعارهای فریبنده، روشی برگزیده به منظور گمراه نگهداشتن اندک افراد نا آگاه گرد آورده به دور خود می‌باشد. البته چنین اظهاراتی از سوی سران امروزی فرقه‌های تروتسکیستی نمی‌بایستی باعث تعجب باشد. اگر آن‌ها به دروغ و تحریف و شایعه متوسل نشوند، پیرو وفادار تروتسکی نتوانند باشند. مصداق شعر:

در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد ازل گفت بگو، می‌گویم

گویای حال آنان است. مگر تروتسکی نگفت: «تمامی گارد سابق بلشویسم، تمامی یاران و همکاران لنین، همه مبارزان انقلاب اکبر، همه قهرمانان جنگ داخلی به دست استالین به قتل رسیده‌اند» (نامه به کارگران اتحاد جماهیر شوروی). این کلمات تمامی و همه، که تروتسکی به کار برده است، مفهوم معین، یعنی، بدون استثناء را دارد. در بخش دوم این نوشته نشان داده شد که آن گفتار، چگونه شیدانه و دروغ‌گویی است. تروتسکی مدعی شد: «استالین طی سه سال گذشته تمام همراهان لنین را مأمور هیتلر خطاب کرد» (مقاله: تسلیم استالین). و «علناً کاندیداتوری خود را برای ایفای نقش مأمور اصلی هیتلر به نمایش می‌گذارد» (همانجا). و در جایی دیگر «بدون استالین، هیتلری هم در کار نمی‌بود» (مقاله: استالین چگونه اپوزیسیون را شکست داد). این‌ها واقعاً هذیان‌های یک انسان شکست‌خورده و درمانده است که به نظر لنین درباره تروتسکی «راستی وقتی انسان این چیزها را می‌خواند، بی اختیار از خود سؤال میکند - آیا از تیمارستان نیست که این صداها بلند می‌شود». ما مجاز هستیم که بگوئیم، هر گاه لنین زنده بود و این لاطانات تروتسکی را در شرایط آن زمان می‌شنید، بدون شک گفته‌ی بالا را در مورد تروتسکی تکرار نمی‌کرد بلکه می‌گفت: «تروتسکیست‌ها، فریب کارگران را در نظر دارند» (لنین - اردوی حزب کارگران استولین). چرا؟ بدین علت که اگر ادعای تروتسکی صحت داشته باشد، پس می‌بایستی هیتلر، ساخته و پرداخته استالین باشد. بر مبنای کدام سند و مدرک و کدام تحلیل، تروتسکی می‌خواهد چنین چرند گوئی را به خواننده خود القاء شبهه کند؟ فرض کنیم که به جای استالین، تروتسکی به قدرت رسیده بود، آیا هیتلر پدید نمی‌آمد؟ هیتلر، نتیجه‌ی شرایط آن زمانی آلمان و تلاش بورژوازی آلمان برای قدرت‌گیری جهانی بود، نه موجودیت استالین. حتی اگر بر فرض محال،

تروتسکی در مقام استالین جای داشت و قادر می‌شد، کشور شوراها را به جامعه‌ای سرمایه‌داری و وابسته به آلمان تبدیل کند - آنچه که بعداً در خفا در پیش داشت و موفق نشد - باز هم نمی‌توان مدعی شد، که فردی به مانند هیتلر در آلمان به قدرت نمی‌رسید، زیرا بورژوازی آلمان به شوروی با تروتسکی در رأس آن قانع نبود و به مراتب بیش از آن را در جهان، خواستار بود. تروتسکی ادعا کرد که استالین «تمام - تمام» فراموش نشود که لغت «تمام» به معنای بدون استثناء می‌باشد - «همراهان لنین را مأمور هیتلر خطاب کرد». کجا و در چه محلی چنین گفته یا نوشته‌ای از استالین در دست است؟ استالین از وجود جاسوسان آلمانی در حزب و دستگاه‌های دولتی نام برد، که واقعیت داشت، ولی هیچگاه به «تمام» همراهان لنین اشاره نکرد و تنها عناصر معدودی را در نظر داشت. آیا وینشینسکی، دادستان سه دادگاه مسکو و وروشیلف در مقام یکی از قضات دادگاه نظامیان، از همراهان لنین نبودند؟ آیا منشینسکی، کیروف، کوبیشف، گورکی و دیگران که به دست متحدین تروتسکی به قتل رسیدند و تروتسکی از ترور آنان، اظهار شادمانی کرد، از همراهان لنین نبودند؟ آیا مولوتف، کالینین، گاکانویچ و دیگر بلشویک‌هایی، که بیشتر بدان‌ها اشاره رفت، از همراهان لنین نبودند؟

دیگر این که، آن افرادی که تن به جاسوسی آلمان و خیانت و جنایت داده بودند، از جمله پیاتاکف، راکوفسکی، بوخارین، رادک، شستوف و دیگران، همان گونه که در بخش پیشین دیدیم، خود شخصاً اعتراف کردند، که در تبعیت از تروتسکی و بر مبنای ابتکار او، و هم چون او، مستقیم یا غیر مستقیم به خدمت سازمان جاسوسی آلمان درآمده بودند. تروتسکی و سران پیروان فریب خورده امروزی او، احتیاجی به ارائه سند و مدرک نمی‌بینند و تصور دارند که برای فریب آنانی که از رویدادهای آن زمانی اطلاع کافی ندارند، دروغ‌گوئی، تحریف، شایعه پراکنی و انواع کفایت

هر هر هر هر هر هر

انسان خداست



انسان خداست

در کوچه

پشت قوتی سیگار

شاعری

استاد و بالبداهه نوشت این حماسه را:

«انسان، خداست.

حرف من این است.

گر کفر یا حقیقت محض است این سخن،

انسان خداست.

آری. این است حرف من.»

اثر احمد شاملو

گرد هم می‌آورد... تروتسکی تمام کسانی را که تباهی ایدئولوژیک برایشان گرامی است، جمع می‌کند. او تمام کسانی را که به دفاع از مارکسیسم اعتنائی ندارند و تمام عناصر عامی را که نمی‌فهمند دلایل مبارزه چه هستند و میلی هم به آموختن، اندیشیدن و یافتن ریشه‌های اختلاف نظر ندارند، متحد می‌سازد.» (نامه به هیأت مقیم درون روسیه کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات روسیه). این موضع سیاسی و علنی تروتسکی از ۱۹۰۳ تا ژوئیه ۱۹۱۷ بود. کمتر از چهار ماه پیش از انقلاب اکتبر، پیوستن به حزب بلشویک را تقاضا کرد. او از همان اوان عضویت در جهت مخالفت با لنین، مصوبات حزبی و نیازهای جامعه نوپنید شوروی گام برداشت. اولین درگیری او با لنین و حزب درباره زمان انقلاب پیش آمد.

می‌کند. مجبورم دگر بار گفته‌ی لنین را که شناختی دقیق از تروتسکی داشت، تکرار کنم: «علت این که تروتسکی از فاکت‌ها و اشارات مشخص پرهیز دارد همان است که این فاکت‌ها و اشارات، تمام بانگ‌های پر خشم و جملات پر طمطراق او را بی رحمانه تکذیب مینماید» (نقض وحدت در...). اکنون نگاهی کوتاه به دیگر فاکت‌ها و اشارات و به خصوص اعترافات همکاران و زبردستان تروتسکی بیفکنیم، تا روند و علل خیانت او را، بهتر دریابیم. زندگی سیاسی تروتسکی، آلوده از کینه‌ورزی به بلشویسم به عنوان تشکل اصیل کمونیستی در روسیه بود. جملات شعارگونه‌ی او با رنگ و لعاب‌های به اصطلاح چپ، تنها نمائی زیبا برای عوام فریبی بودند. بی‌مورد نبود که لنین درباره تروتسکی، خاطر نشان می‌کرد: «تروتسکی تمام دشمنان مارکسیسم را

من، سپیده قلیان؛ بر سر عهدی که با مردم بسته ام ایستاده ام!

سپیده قلیان در نامه ای از زندان اوین به اظهارات سخنگوی قوه قضائیه که گفته وی مرتکب «اهانت» و به همین دلیل مجدداً بازداشت شده، چنین پاسخ داده است:

«به نام خداوند رنگین کمان»

کشته ندادیم که سازش کنیم!

تنها چهار ساعت از خروج از زندان اوین گذشته بود و تنها چهار ساعت شاهد خیابان پس از «زن، زندگی، آزادی» بودم. هنوز حتی نصف مسیر تا خانه را هم طی نکرده بودم، که در جاده بازداشت شدم و روانه‌ی بازداشتگاه بند ۲۰۹ اوین شدم. در این فاصله‌ی کوتاه از هیچ تحقیر و آزاری برای من کم نگذاشتند. شدیداً ضرب و شتم شدم. به قول خودشان «خرکش» م کردند. مردی در راهروی «۲۰۹» مرا تهدید به تجاوز کرد.

گفت دست و پایت را می‌بندیم و حسابت را خیلی خوب می‌رسیم. و راستش ابعاد «حسابرسی» از چند ده هزار بازداشتی جنبش «زن، زندگی، آزادی»، هم در تاریک‌خانه‌ی جنایات چهار دهه‌ی اخیر جای ویژه‌ای دارد و هم در روند دادخواهی... اما آنچه روشن است: عهد ما، اما هنوز پابرجاست. «آزادی» نه دادنی، که گرفتنیست و من، سپیده قلیان، بر سر عهدی که با مردم جان به لب رسیده‌ی ایران بسته‌ام ایستاده‌ام:

من در دادگاه فرمایشی، به ریاست کسی که حکم اعدام انقلابیون را امضا کرده نمی‌روم و هیچ مشروعیتی نه برای دادگاه‌های فرمایشی و نمایشی‌شان و نه برای حکم صادره قائل نیستم و به صراحت اعلام می‌کنم، تا حکومت اعدام اسلامی بر سر کار است، و مادام که «کاشفان فروتن چشمه» و معترضین به استبداد، گروگان حکومت اسلامی و دادگاه‌های فرمایشی و ناعادلانه هستند، در هیچ دادگاهی شرکت نخواهم کرد... به امید سرنگونی ضحاک زمانه».

سپیده قلیان بند زنان زندان اوین.

شیوه تفکر یک خرده بورژوا: خرده بورژوا همیشه وظائف حزبی را پس از ساعات شغل روزانه‌اش، رسیدگی کامل به زندگی خصوصی‌اش و حل زمان میهمانی و یا گردش آخر هفته با خانواده و یا دوستان، هول هولکی انجام میدهد. البته اگر برایش وقتی بماند.

پرولتاریای جهان متحد شوید!
پیروز با دیکتاتوری پرولتاریا

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!

حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!

به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان

تروتسکیست های خائن را از صفوف خود طرد کنیم!

دغلکاران را از صفوف خود برانیم

پیروز با دولت شورائی کارگران و تهیدستان